

به نام اهورا مزدا

به نام خدای خرد و دانش

چرا ۱۲ امام و مذهب برحق تشیع در اسلام در بین ایران این چنین زیاد مورد احترام است و اکثریت مردم ایران مسلمان (شیعه) هستند؟



جواب این سوال را باید از ابتداء ورود اسلام به ایران جستجو کرد.

حمله اصلی اعراب به ایران مفاير بود با حکمرانی عمر خلیفه اعراب و یزدگرد سوم پادشاه ساسانی حکمران ایران

بعد از سقوط حکومت ساسانی اعراب در ابتدا بسیاری از ایرانیان را به خاک و خون کشیدند که در ادامه مثال هایی از این کشتار زده خواهد شد.

در آغاز حکومت اعراب در ایران بسیاری از ثروت های ملی به غارت رفت و با مردم بسیار بد رفتار می شد

در صورتی که سنت پیامبر اسلام محمد(ص) اصلا اینگونه نبود و سعی بر آن می کرد تا با فرهنگ اسلام قلوب مردم را تحت تاثیر قرار دهد. و شخص پیامبر اسلام هرگز برای این که مردم کشور را به اسلام دعوت کند هرگز از قدرت نظامی استفاده نمی کرد

(چون دینی که به زور شمشیر بر مردم غالب شود هرگز پایدار نمی ماند)

پس چرا با این ویژه گی های پیامبر اسلام مسلمانان بعد از وفات پیامبر اسلام راه او را در پیش نگرفتند و به زور شمشیر متوسل شدند؟

ادامه در ادامه نوشتار

جواب آن را باید در جانشیان پیامبر اسلام بررسی کرد.

پیامبر قبل از مرگشان در (حدیث غدیر خم) به صراحت علی ابن ابی طالب (دامادشان) را به عنوان جانشین تعیین کردند

زیرا پیامبر اسلام میدانست که افراد نالایق که در اطرافش هستند لیاقت جانشینی را ندارند و شایسته ترین فرد در بین مسلمانان علی (ع) است

ولی بعد از وفات پیامبر اسلام افراد ناشایستی مانند: (عثمان ، ابوبکر ، عمر بن خطاب) خلافت را به زور تصاحب کردند

و نگذاشتند جانشین برحق محمد (ص) ، علی (ع) به قدرت برسند

علی (ع) میدانست که اسلام هنوز نوپاست و طول زیادی از عمرش نگزشته پس به همین دلیل سکوت کرد و خانه نشین شد.

در ابتدا ابوبکر به فکر توسعه اسلام از طریق وسعت دادن مرزهای جغرافیایی افتاد و از طرفی ثروت زیاد ایرانی ها او را پیش از پیش حریص میکرد

و جنگهای مرزک ایران و عربها شروع شد

و در همین زمان که حکومت ساسانیان بر ایران حکومت میکرد. این حکومت داشت به دلایل زیاد رو به زوال و ضعف میرفت.

دلایل زیاد برای ضعف شدن حکومت ساسانیان بیان شده ولی من چند تا را بیان میکنم:

۱: نفوذ موبدان زرتشتی در حکومت

۲: رقابت شاه زادگان برای تصاحب قدرت

۳: بی لیاقتی شاهزادگان

۴: تصاحب اموال مردم توسط حاکمان شهرای بزرگ

در زمان عمر ابن خطاب وک عزم خود را جزم کرد به ایران حمله قطعی بکند

و در جنگ های مکرر توانست ارتش ساسانی را مغلوب کند

اما در تمام این طول این جنگ نه علی (ع) و نه هیچ کدام از فرزندان او در هیچ جنگی بر علیه ایران و ایرانیان شرکت نکرده اند

در بعضی از قسمت های کتاب طبرک آمده است که علی (ع) میل قلبی به حمله ایران را نداشته

البته این نکته هم هست که علی (ع) هیچ يك از کارهای سه خلیفه غاصب: (عثمان ، ابوبکر ، عمر بن خطاب) و قماش اینان را قبول نداشت و این امر به صراحت در تمامی کتب معتبر شیعی اشاره شده

مثالی برای خون ریزک های اعراب در ایران:

در کتاب تاریخ طبرک آمده است که :

زمانی که سعدابن ابی وقاص گزارش جنگ را به عمر میداد گفت: ما آن قدر از آن ها کشتیم که خون تا رکاب اسب مرا گرفت و بعد از آن به رشته کوه هایی رسیدیم که پشت آن چیزی نبود جز دریا (رشته کوه های البرز)

در ادامه آمده که وقتی سخن سعدابن ابی وقاص تمام شد علی (ع) ناخون شصده خود را بر روی گلوک ابی وقاص گذاشت و آن را به عقب هل داد به طوریکه او را توان مقاومت نبود و گفت این ایمن ما نیست

وقتی که مردم ایران به زور مسلمان شدند اکثر آن ها همچنان در دل خود زرتشتی بودند ولی وقتی با علی (ع) و خاندانش آشنا شدند و دانستند که اسلام واقعی در نزد این خاندان است اکثر مسلمان شدند و وقتی بیشتر با این خاندان آشنا شدند بیشتر هم به آن ها علاقه مند شدند

و همواره حساب (عثمان ، ابوبکر ، عمر بن خطاب) و قماش آن ها را از آل علی (ع) جدا میدانستند

روایتی دیگر از حضرت علی (ع) وجود دارد که دانستن آن خالی از لطف نیست؛ ابولولو یگ ایرانی بود که
عمر ابن خطاب را به جرم گناهی که به او کرده به قتل رساند

عبداللّه زیاد او کشت و زن و فرزندانش را به بدترین وجه به قتل رساند

قاضی عبیداله را محکوم کرد که به بیگناهی آن ها را کشته و باید محاکمه شود ولی حاکم آن روز
که عثمان خلیفه سوم بود جرات انجام اجرای حکم را نداشت و این کار را نکرد

اما علی (ع) به عبیداللّه گفت: ای فاسق اگر روزی به تو دست یابم تو را به خون خواهی هر زمان
خواهم کشت و بعد از این ماجرا عبیداللّه دیگر در مقابل علی (ع) قرار نگرفت و در چند جنگ به
دشمنی با علی (ع) شرکت کرد.

بعدها به کوشش بزرگ مردان ایران، ایران از دست اعراب نجات یافت ولی همچنان مردم ایران اسلام
واقعی را در پیش خود نگاه داشتند

«آن ها (اعراب) کسانی بودند که ما به آن ها کتاب و فرمان و نبوت عطا کردیم. پس اگر آنان کافر
شوند، ما قومی را که هرگز کافر نخواهند شد، بر آنان می گماریم.» **سوره انعام ۸۹**

عمر از پیامبر پرسید: ای رسول خدا این قوم چه افرادی هستند؟ پیامبر فرمود: به خدا سوگند آنان
سلمان و قوم او می باشند.

- «ای کسانی که ایمان آورده اید هرکس از شما که از دین خویش برگردد زودا که خداوند گروهی
را بیاورد که آن ها را دوست دارد و آن ها نیز او را دوست دارند، با مومنان نرم و خاکسارند و بر کافران
سرکش در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی ترسند.» **مائده ۵۴**

بیضاوک در کتاب خود ذکر کرده است که وقتی عده ای از پیامبر پرسیدند که آن ها کدام گروه
هستند، پیامبر گفت: آن گروه، سلمان و مردم فارس هستند .

- « شما یید(اعراب) که خوانده می شوید تا در راه خدا انفاق کنید ولی از شما کس هست که بخل
می ورزد و اگر روی بگردانید خدا گروهی دیگر جز شما را به جای شما آرد که همچون شما سست
ایمان و بخیل نباشند.» **سوره محمد ۳۸**

سیوطی در کتاب «درالمنثور» از ابی هریره نقل کرده است، وقتی این آیه نازل شد از پیامبر پرسیدند
که این قوم چه کسانی هستند؟ در آن هنگام سلمان در کنار پیامبر بود. پیامبر بر شانه ک سلمان دست
نهاد و گفت: آن قوم، سلمان و مردم او هستند که اگر دین در ثریا هم باشد بدان دست می یابند.

آیه ای درباره ک اعراب

« آن ها (اعراب) چون سودک یا سرگرمی اک ببینند. بیدرنگ به دنبال آن می روند و تو را (پیامبر) تنها می گذارند.»
جمعه ۱۱

بررسی و تحقیق: شمشاد امیرک خراسانی

<http://parsiandej.ir>

پارسیان دژ مرجع ایران شناسی